

ناگفته‌ها ...

در پرونده‌ی قتل‌های زنجیره‌ای

عظی رضا نفیدی زاده

ناگفته‌ها ... در پرونده‌ی قتل‌های زنجیره‌ای

علی‌رضا نوری زاده

نشر نیما: اسن، آلمان

چاپ اول: شهریور ۱۳۷۹ - اکتبر ۲۰۰۰

چاپ دوم: دسامبر ۲۰۰۰

ISBN 3-935249-37-3



نشر نیما

Nima Verlag

Lindenallee 75-45127 Essen-Germany

Tel.:(+49)0201-20868- Fax:(+49)0201-20869

www.nimabook.com

nimabook@gmx.de

به آنان که در راه قلم، و آرمان‌های انسانی، جان باختند

در این کتاب می خوانید:

شماره صفحه	عنوان
۱۳ تا ۹	پیشدرآمد - آغاز
۳۰ تا ۱۴	بولتن محرمانه و خاک سرخ
۴۲ تا ۳۱	آغاز جنایت‌ها در شیراز. سید، کانون توطئه
۵۵ تا ۴۳	فرنگی کار
۷۹ تا ۵۶	اعترافات خسرو براتی و سنجری
۹۹ تا ۸۰	سعید امامی سینما و ورزش
۱۴۵ تا ۱۰۰	جاسوس انگلیس و قتل احمد خمینی
۲۲۱ تا ۱۴۶	اعترافات امیرفرشاد
۲۷۳ تا ۲۲۲	محفل رسانه‌ای قتل‌ها و نوری زاده
۲۹۵ تا ۲۷۴	قتل‌ها راز سر به مهر
۳۰۵ تا ۲۹۶	مأمورفراری اطلاعات در ترکیه
۳۲۰ تا ۳۰۶	کنفرانس برلین و سیرا
۳۴۳ تا ۳۲۱	نامه به ابطحی
۳۵۸ تا ۳۳۵	اسامی
-	به همین قلم (آثار نویسنده)

پیشدرآمد

قتل دکتر بقائی

روزی که سعید امامی پس از يك هفته گفتگو با دکتر مظفر بقائی، سیاستمدار کهنه کار و سرسخت* حکم خلاص کردن دکتر را در زندان صادر کرد، هیچکس باور نداشت دستگاه اطلاعات جمهوری اسلامی، به شیوه‌ی شاهان قجر که بعضی از مخالفانشان را از میان دولتمردان و اشراف با قهوه معروف به دیارنیستی می‌فرستادند، آزماده‌ی پتاسیم به صورت شیاف و یا قطره، بعضی از مخالفان را از بین می‌برند. دکتر بقائی در پی سفری به اروپا و آمریکا بازداشت شد. و از آنجا که در زندان سرسختی بسیار نشان داد و بارها سعید امامی و شخص فلاحیان را با حقارت بسیار و به شکلی توهین آمیز، از زندان تنگ و تاریک خود در بازداشتگاه توحید و سپس اوین رانده بود، سرانجام، امامی پس از يك هفته سر

و کله زدن با او، به وی گفت: «شما موجود کثیفی هستید و من این افتخار را دارم که به زندگی ننگین شما پایان دهم.»**
 دکتر بقائی را از زندان به بیمارستان بردند اما آثار سم خیلی زود ظاهر شد و وی در شرایطی بسیار طاقت فرسا و با درد و تعب، جان داد.

نحوه‌ی قتل مخالفان با پتاسیم را سعید امامی در سفری که به همراه یک هیأت بلند پایه از اطلاعاتی‌ها به کره شمالی داشت، فرا گرفت. و از آن پس این شیوه در قتل‌ها تعداد زیادی از روحانیون، نویسندگان و شخصیت‌های سیاسی مورد استفاده قرار گرفت.

از قربانیان سرشناس این نوع جنایت، سعیدی سیرجانی و غفار حسینی در تهران، احمد میرعلائی در اصفهان بودند.

پانویس:

* درباره شخصیت دکتر بقائی و کارنامه سیاسی او حرف‌های زیادی گفته و نوشته شده، اما هیچکس در این نکته تردیدی ندارد که او یکی از مقاوم‌ترین سیاستمداران ایران در برابر زور و فشار و در پایان عمرش زیر شکنجه بوده است. بقائی به خاطر جدائیش از دکتر محمد مصدق و جریان ربودن و قتل افشارطوس و کودتای ۲۸ مرداد، دیرسالی از سوی ملیون مطرود شد و در ادبیات مقاومت، جای پروتوس ایرانی به او داده شد. کمتر کسی به دلایل جدائی بقائی از نهضت ملی توجه کرد، و در عین حال زندگی سیاسی او بعد از ۲۸ مرداد، و بعد در آستانه انقلاب و سپس مخالفت شدید او با ولایت فقیه و قانون اساسی جمهوری اسلامی و شخص آقای خمینی (که بقائی پیش از انقلاب روابط حسنه‌ای با او داشت) به علت همان نگاه بدبینانه، یکسره نادیده گرفته شد.

** عبارات نقل شده از اعترافات مصطفی کاظمی (موسوی نژاد)

آغاز

ورود به عرصه‌ای همچون قتل‌های زنجیره‌ای، اگرچه يك تصميم حساب شده نبود، و همانطور که در کتاب اعترافات سعید امامی، قتل‌های زنجیره‌ای آمد* يك تلفن و بعد دیداری در آلمان مرا به جستجو در زوایای تاریک خانه‌ای انداخت که هرچه بیشتر در آن تأمل می‌کردم، سنوالات و مسائل ابهام‌انگیز بیشتر می‌شد، اما تردیدی ندارم که در طول زندگی حرفه‌ای به عنوان يك نویسنده و روزنامه‌نگار، اگر نقطه‌ای شایان توجه باشد، همین تلاش‌هایی است که در راستای گشودن معمای قتل‌ها و آمران و عاملان آن، داشته‌ام.

در طول این دو سال و اندی زمان، آن قدر اطلاعات کوچک و بزرگ و گاه انحرافی از داخل و خارج ایران و درموردی از مسئولان و دست‌اندرکاران حکومت، به دستم رسیده که می‌توان آن‌ها را در چندین جلد به صورت کتاب و گزارش تنظیم

کرد. استقبال بی نظیر هموطنانم در سراسر جهان و بیش از همه ایران، از «کتاب قتل‌های زنجیره‌ای» مرا بر آن داشت که گوشه‌ای دیگر از رازهای ناگفته این جنایات تکان دهنده‌ی پایان قرن را در میهنم، به صورت کتابی عرضه کنم.

دو کتاب دیگر نیز در همین زمینه در دست دارم که جزئیات قتل‌های دوران هاشمی رفسنجانی در داخل، و شبکه قتل‌های خارج کشور، در آن‌ها مورد بررسی قرار گرفته است. در برابر عظمت مبارزه یاران اهل قلم و طنم، خاصه آن دو دلاور در بند «اکبر گنجی - و عمادالدین باقی» و آن‌ها که مثل مسعود بهنود، از «رانت» های دولتی و جناحی بی نصیب‌اند به همین دلیل نیز وضعیتشان نگران کننده تر است، تنها می‌توانم این کتاب را به آن‌ها تقدیم کنم. به آن‌ها که گریبان عالیجناب خاکستری اعظم را در بتخانه‌ی بزرگ گرفتند و پرده از چهره‌ی کریه آن دگری، عالیجناب سرخ پوش برداشتند.

علیرضا نوری زاده

لندن شهریور ۱۳۷۹ اوت ۲۰۰۰

*قتل‌های زنجیره‌ای، اعترافات سعید امامی، انتشارات باران سوئد. چاپ اول ژانویه

۲۰۰۰، چاپ دوم فوریه ۲۰۰۰

بِوَلَّتِنِ مَحْرُومَانِنِهْ وَ خَاكِ سِرُوخِ

بولتن محرمانه و خاک سرخ

مصطفی کاظمی (موسوی نژاد) که در شیراز لقب سید موسوی داشت، از عجیب ترین پدیده‌هایی است که در عرصه‌ی سیاست و امنیت در طول بیست و یک سال گذشته در کشور ما ظهور کرده است. او که از پیروان سرسخت مکتب دکتر شریعتی در شیراز در زمان انقلاب بود و در تأسیس سپاه شیراز نقش عمده‌ای داشت در کنار مسئولیت‌های مهمش در سپاه و وزارت اطلاعات، مدتی نیز مسئول معاونت جدیدی شده بود که به طور اساسی برای مقابله با نیروهای ملی مذهبی که در سال‌های پایانی ریاست جمهوری رفسنجانی و دوره هفتم انتخابات ریاست جمهوری حضوری چشمگیر در صحنه یافتند، به وجود آمد. نام این معاونت که نخست اداره کل بود، معاونت «التقاط» نام داشت. (اسم کامل آن هنگام تأسیس اداره کل مقابله با گروهک‌های التقاطی بود). از آنجا که کاظمی با افکار شریعتی، و گروهک‌های ملی مذهبی از جمله نهضت آزادی و جنبش

مسلمانان مبارز و جاما و غیره آشنائی داشت ریاست این اداره برعهده او گذاشته شد. کاظمی از همان ماه‌های نخستین ورود به سپاه، در يك انقلاب روحی عجیب به سر می‌برد ناگهان تغییر موضع داد و به یکی از مخالفین کینه توز عقاید شریعتی و هوادارانش تبدیل شد. کاظمی که عهده دار فرماندهی واحد اطلاعات سپاه شیراز شده بود به لحاظ تسلط و آشنائی کاملی که با عقاید گروه‌های طرفدار اسلام انقلابی داشت در زمستان ۶۰ دائماً به تهران می‌رفت تا با همکاری یکی از مسئولان اطلاعات نخست وزیری که او نیز روزگاری از دوستداران شریعتی بود و بعدها جزو بنیانگذاران وزارت اطلاعات شد بازجوئی از اعضای سرشناس گروه‌های معتقد به راه شریعتی را برعهده گیرد. یکی از کسانی که توسط این دو نفر بازجوئی شد برزوئی نام داشت که رهبر سازمان آرمان مستضعفین بود. آنها برای برزوئی حکم اعدام صادر کردند اما با وساطت آیت‌الله منتظری وی شامل عفو و تخفیف مجازات شد و بالاخره در سال ۱۳۷۲ از زندان آزاد گشت. برزوئی از آن پس به فعالیت‌های سیاسی و فکری خویش پایان داد و به انزوا رفت و در لابلای زندگی معمولی‌اش گم شد. اما برخی از اعضای مهم سازمانش که هر کدام پس از تحمل يك تا سه سال از زندان آزاد شده بودند راه دیگری را در پیش گرفتند.

کاظمی در حین بازجوئی‌هایش پی برد که برخی از

اعضای نادم و بریده این سازمان که تحت تأثیر نوشته‌ها و سخنرانی‌های شریعتی هستند، استعداد عجیبی برای مطالعات ایده‌ئولوژیک هیجانانگیز انقلابی و از همه مهمتر بدنام کردن روشنفکرانی دارند که به عقیده آن‌ها، بی‌درد، مرفه و غرب‌زده هستند. او هفت نفر را از بین این عده دستچین کرد و به حسین شریعتمداری (مدیر موسسه کیهان و نماینده ولی فقیه) سپرد که در آن موقع مسئول مطالعات و بررسی‌های واحد اطلاعات سپاه پاسداران تهران بود. شریعتمداری مدتها به روی آنها کار فکری کرد و موفق به استخدام برخی از آنها شد. این گروه به تدریج جلب سپاه شدند و علاوه بر واحد اطلاعات به دفتر نمایندگی ولایت فقیه در سپاه نیز نفوذ کردند و یکی از کسانی که در این سال‌ها توسط مصطفی کاظمی به حسین شریعتمداری معرفی شد علی‌حسین پناه بود. شریعتمداری از سال ۱۳۶۱ تا به امروز که با همکاری تیم حسین پناه ماهنامه منظمی را منتشر می‌کند که بولتن محرمانه رویدادها و تحلیل نامیده می‌شود. در این بولتن محرمانه که تنها فرماندهان و اعضای رده بالای سپاه و دفتر ولی فقیه و شماری از ارکان نظام و مراجع آخوندهای تندرو حق مطالعه آن را دارند در کنار هر یک از اخبار محرمانه سیاسی، اقتصادی و فرهنگی و گاه گزیده برخی از جرایدی که دگراندیش نامیده می‌شوند و غالباً پیرامون نوشته‌ها و عمل کرد و اندیشه‌های روشنفکران ایران هستند، ابتدا بخشی از زندگینامه‌های

جعلی و دروغین نویسنده نوشته می‌شود و سپس شرح و
 تحلیلی مبسوط در مورد علل و عواقب این انحرافات و شیوه‌های
 پیشگیری از آنها در جامعه عنوان می‌شود. شریعتمداری پس
 از ورودش به مؤسسه کیهان این تیم را نیز با خود به درون آن
 برد و انتشار روزنامه کیهان و کیهان هوائی را نیز به آن‌ها
 سپرد. این گروه کاشفان تهاجم و شبیخون فرهنگی به نظام
 مقدس اسلامی و تحلیل گران ویژه دفتر نمایندگی ولایت فقیه
 در سپاه هستند. تیم علی حسین پناه، نویسندگان اصلی
 مقالات نیمه‌ی پنهان در روزنامه کیهان و همچنین سازندگان
 برنامه هویت بودند. (در مورد حسین پناه این نکته نیز گفتنی
 است که او یک‌چند طرفدار شریعتی، و سپس توده‌ای و بعد
 پیکاری و سرانجام طرفدار سرهنگ قذافی شد و چون برای
 سفارت لیبی جاسوسی می‌کرد مدتی به زندان افتاد. و در
 زندان کاظمی او را کشف کرد و به شریعتمداری تحویل داد)
 یکی دیگر از اعضای این تیم مهدی خزعلی فرزند آیت‌الله
 خزعلی معروف است. وی ظاهراً می‌خواست چشم پزشک شود
 اما موسسه‌ای را برپا کرد که محل تشکیل جلسات تیم علی
 حسین پناه و شریعتمداری با سعید امامی بود. این موسسه که
 انتشاراتی حیّان نامیده می‌شود مشروح برنامه تلویزیونی
 هویت را به صورت کتابی و به همین نام منتشر ساخت.
 حسین پناه همچنین با حمایت برخی دیگر از اعضای
 وزارت اطلاعات، گروهی را تشکیل داد که خود را در ابتدا

جبهه مقاومت اسلامی و همچنین فدائیان ناب محمدی* نامیدند. این گروه که شیفتگی عجیبی به گروه مسلح اسلامی الجزایر داشت تا کنون چندین نفر از نویسندگان و فعالین سیاسی و فرهنگی کشورمان را به فجیع ترین شکل ممکن کشته اند. یکی از قربانیان آن‌ها پیروز دوانی بود که در روز سوم شهریور ماه ۱۳۷۷ و همزمان باتشییع جنازه لاجوردی ربوده شد و پس از هفت روز شکنجه مداوم به قتل رسید.

علاوه بر بودجه محرمانه که تشکیلات بولتن سازی شریعتمداری و موسسه حیّان از دفتر رهبری و وزارت اطلاعات و بنیاد مستضعفان دریافت می‌کند، خزعلی و شریعتمداری يك منبع مالی مهم دیگری هم دارند. این منبع شرکتی است که نام آن «استخراج خاک سرخ جزیره هرمز» می‌باشد.

جزیره هرمز که در تنگه هرمز واقع شده است دارای معادن عظیمی از خاک سرخ است. این معادن سال‌ها پیش از انقلاب به بهره برداری رسید و يك شرکت ایرانی - آمریکائی استخراج و فروش این خاک را برعهده داشت. شرکت مذکور توانسته بود در مدت کوتاهی بیش از سیصد تن افراد بومی جزیره را به کار گیرد و همه مردم فقیر و بسیار محروم این جزیره را صاحب برق و آب تصفیه شده و از همه مهمتر کار با درآمدی عالی سازد. سهم دولت ایران نیز به گونه منصفانه و کاملاً قابل قبول پرداخت می‌شد. و در مجموع اشتغال در این شرکت مهمترین منبع درآمد مردم جزیره هرمز بود،

اما با پیروزی انقلاب و تار مار شدن شرکت های تولیدی و خارجی این شرکت به چنگ باندهای مافیائی قدرت افتاد. و پس از چندین بار دست به دست شدن میان باند کرمانیها که اقوام رفسنجانی را در بر می گیرند و بردو استان کرمان و هرمزگان تسلط دارند و نیز باند هیئت مؤتلفه بالاخره سهم مهدی خزعلی شد. خزعلی در نخستین اقدام خود، سیستم مکانیزه و بسته بندی خاک سرخ جزیره هرمز را تعطیل کرد و با صدور فله ای این خاک، ضمن آن که براین ثروت ملی چوب حراج زد، همه کارگران کارخانه خاک سرخ را نیز اخراج کرد و به خاک سیاه نشاند. به گونه ای که امروز تنها ۱۲ نفر در این شرکت مشغول به کار هستند. خزعلی با درآمدی بالغ بر یک میلیارد تومان سود خالص در سال، تنها مبلغ ۳۶۰ هزار تومان را سالیانه به وزارت معادن پرداخت می کند و دیگر مردم جزیره و حتا شهرداری جزیره هرمز هیچ نفعی از تاراج منابع خاک سرخ خود نمی برند.

تشکیلات خزعلی و دفتر بولتن محرمانه در طول سلطنت فلاحیان بر وزارت اطلاعات، کمک های سخاوتمندانه ای در سه نوبت از (سازمان اقتصادی* اسلامی) و بخش اقتصادی وزارت اطلاعات* دریافت کردند.

اطلاعیه ۷۷/۹/۲۹

سه بیانیه مهم فدائیان اسلام ناب محمدی

مصطفی نواب

بسمه رب الشهداء و الصدیقین

امت شهیدپرور توجه کنید:

دشمن زبون بعد از شکست‌های خفت بار در همه عرصه‌های نظامی، اقتصادی و سیاسی باز با قلم‌های فاسد و مشکوک و ضد دین هجمه شدید و ناجوانمردانه خود را به اصول حقه انقلاب اسلامی آغاز کرده است و اکنون شاهدیم که در بیستمین سال استقرار حکومت الله و در برابر چشمان داغدار خانواده معظم شهداء سرسپردگان خیانت پیشه داخلی، در پوشش قانون و یانقلاب قرائت‌های جدید از اسلام تیشه به ریشه حکومت الهی می‌کوبند.

حال که سیاست‌پیشگان واداده داخلی باتساهل و تسامح و شعارقانونگرایی و توسعه سیاسی، از افعی‌های سمی نقابدار بیگانه حمایت می‌کنند و برخوردهای قاطعانه حکومت الهی، قوه قضائیه، مطبوعات مسئول و دردکشیدگان دلسوخته انقلاب، انحصارطلبی، افراطیگری، ترویج خشونت و تحدید آزادی نام می‌گیرد، فرزندان دلیر و غیرتمند ملت مسلمان ایران، خود آستین‌های همت و شهادت را بالا زده‌اند و با اعدام انقلابی اولین گروه از عناصر خود فروخته و کثیفی که خط دهنده تحركات مذبوم ملی گرایانه و هدایتگر جریان‌های مسموم دانشگاهی هستند دومین گام عملی را در صیانت از دستاوردهای عظیم انقلاب اسلامی برداشتند.

اعدام انقلابی داریوش فروهر، پروانه اسکندری، محمد مختاری و محمدجعفر

پوینده اخطار و اندازی است کوچک به قلم به دستان مزدور و حامیان ضدارزش آنها که سودای بازگرداندن سلطه اجانب و خیال فاسدگسترش فسق و فجور را در سر می پروراندند.

ما عاشقان ولایت مطلق حق و حقیقت به عظمت خداوند قادر و قهار و به روح بلند امام راحل (ره) و به حرمت مقام رهبری و خون پاک و مطهر شهدای گرانقدر و عزیزمان سوگند یاد می کنیم که این عملیات مقدس را تا تحقق کامل حاکمیت ناب محمدی و اتصال آن به حکومت آقا امام زمان (عج) ادامه دهیم.

بریده باد زبان های مناقق، شکسته باد قلم های فاسد، برقرار باد حکومت اسلام ناب محمدی،

فدائیان اسلام ناب محمدی مطصنی نواب

اطلاعیه ۷۷/۱۰/۱۴

بسم رب الشهداء و الصدیقین

ملت شهید پرور ایران توجه فرمائید :

به دنبال عملیات اخیر فرزندان دلیر و غیرتمند شما، بوق های دروغ پرداز استکباری و مطبوعات منحرف داخلی در اقدامی هماهنگ، با تحریک افکار عمومی و ایجاد فضای ناامنی و تشویش، سعی کردند از فدائیان مخلص انقلاب چهره ای خشن و بی منطق ترسیم نمایند

برای آرامش ملت حزب الله می گوئیم که زبانه های خشم مقدس جان برکفان دلاور ما فقط متوجه غرب باوران منحرفی است که سودای استحاله نظام را دارند. ما مدافع حکومتیم، نه مروج خشونت. ما عاملان مهاریم نه گروه فشار و مصداق عینی

«اشداء علی الکفار رحماء بینهم» خواهیم ماند.

باید اعلام کنیم که فدائیان اسلام ناب محمدی (ص) ساختاری سازمان یافته دارد که کلیه مأموریت‌هایش تحت ضوابط تشکیلاتی است. این گروه با تلاشی پیگیر، برای هر يك از عناصر خود فروخته و منافقی که عرصه فرهنگ و اندیشه را جولانگاه عقده‌گشایی و هتاک‌های بی‌حد و مرز خود به اصول متقن نظام ولایی کرده‌اند، پرونده‌ای تشکیل داده است و در عملیات اخیر نیز، واحد قضائی این گروه - با سه نفر قاضی عادل و خیره - بعد از يك محاکمه غیابی، معدومین را مفسد فی الارض تشخیص داده و محکوم به اعدام کردند و نوع اجرای حکم را - با عنایت به بازتاب مطلوب - تعیین نمودند. ما معتقدیم اگر این محاکمات به دور از مصلحت اندیشی و فشارهای سیاسی در محاکم معمول قضائی انجام می‌گرفت، باز به همین نتیجه ختم می‌شد و فدائیان اسلام فقط روند کار را تسریع نموده‌اند.

ما تمامی راه‌های مسالمت‌آمیز را آزموده‌ایم اما جو فشار و سیاست‌های مزورانه منافقین مدرنی که قانونگرایی، توسعه سیاسی و گفتگوی تمدن‌ها را ابزار رابطه با صهیونیسم بین‌الملل و دستاویز حمایت از روشنفکر نماهای لیبرال و ملی‌گرایان مرتجع دانشگاهی و ... کرده‌اند راهی جز این باقی نگذاشت. هرچند عمل کرد سخنرانی و شعارهای ضد اسلام و ابستگان معدومین در میتینگ‌های سیاسی مجالس به اصطلاح ترجمیم، بهترین دلیل بر حقانیت این عملیات و ابعاد بزرگ این تهاجم مرموز است این نمی‌شود که آن‌ها شعار مرگ بر استبداد سردهند و حکومت عدل الهی را فاشیستی بخوانند و ما خاموش باشیم، دل‌هایمان خون است و دست‌هایمان مشت. ما از خیل عافیت خواهان نیستیم. ما لاله‌های سرخ شهادتیم و واله‌های روی ولایت و تا آخر ایستاده‌ایم.

ما می‌دانیم که تحت تعقیبیم، ما می‌دانیم که مقام معظم رهبری چاره‌ای جز ملامت

ما نداشتند! اما خدمت آن بزرگوار، با همه ارادت و اخلاص مان می‌گوئیم که توان سکوت نداریم و شرمنده‌ایم و امیدواریم که خطای ما را بر مظلومیت اسلام ناب ببخشایند.

در پایان ضمن تبریک ماه خدا و خودسازی، این نوید را به همه نیروهای ارزشمند نظام می‌دهیم که فدائیان مبارز به موازات بررسی پرونده های داخلی با تمام توان، مشغول برنامه‌ریزی و تدارک اجرای حکم تاریخی امام راحل (ره) در مورد اعدام سلمان رشدی مرتد است و امیدواریم به حول و قوه الهی و با دعای خیر خانواده محترم شهدا مانع فراموشی این آرزو در بوته سیاسی کاری‌های داخل و خارج گردیم. نصر من الله و فتح قریب ...

فدائیان اسلام ناب محمدی مصطفی نواب

اطلاعیه ۷۸/۸/۳۰

ان الله اشترى من المؤمنین انفسهم و اموالهم بان لهم الجنة یقتلون فی سبیل الله فیقتلون و یقتلون.

پیامبر اسلام در شرایطی جهان را بدرود گفتند که ۲۳ سال برای تحکیم احکام الهی زجر و شکنجه و ناراحتی را تحمل نموده و خون دل خوردند تا پایه های اسلام ناب محمدی را محکم سازند. اسلام ابوذر و نه اسلام ابوسفیان، اسلام سلمان و نه اسلام معاویه. اسلام عمار نه اسلام مروان. ولی افسوس که بعد از رحلت پیامبر (ص) صاحب مثلث شوم زر و زور و تزویر کمر به جدا کردن دین از سیاست و تحریف معنای واژه‌های مربوط به حکومت بستند تا جایی که حسین (ع) ثارالله را خارجی نامیدند. حسینی که پوست و گوشت و استخوان و هر سلول بدن مبارکش ندای پایه‌گذاری حکومت اسلامی بر مبنای سنت رسول الله سر می‌داد را تکفیر نمودند

وخونش را به خاطر ملك رى و حكومت بصره و كوفه و عراق مباح دانستند. اکنون نیز مشاهده می‌شود که فرزندان اصیل و دلسوز و زحمتکش انقلاب اسلامی با شیطنت و میل و شادمانی آن شیخ ساده لوح به اتهامات واهی همچون توطئه علیه نظام مقدس جمهوری اسلامی و شکستن قداست رهبری معظم محکوم می‌گردند. حال مشخص نیست آیا کسانی که همواره مورد خشم و غضب عمال آمریکای جنایتکار می‌باشند، در پی شکستن قداست رهبری هستند یا کسانی که صاحب تئوری‌های فشار از پائین، چانه زنی در بالا و سلطنت فقهی هستند، قداست شکن می‌باشند و با بسیج کردن اراذل و اوباش بزرگترین جسارت را بر مقام شامخ ولایت ترتیب دادند.

جناب آقای رئیس جمهور! جناب عالی را به روح بزرگمرد تاریخ معاصر، حضرت امام (ره) قسم می‌دهیم که به خاطر قداست لباس روحانیت که ملبس به آن هستید برای يك بار هم که شده دست از سیاست بازی و سیاسی کاری بردارید و در پیشگاه ملت شریف ایران که همواره در سخنانتان بر محرم بودن آنان تأکید دارید عطف به نامه شماره (...) حوزه بازداشتگاه وزارت اطلاعات - به وزیر محترم - اعلام نمایید که بر روی قسمت‌هایی از جسد مرحوم حاج سعید اسلامی آثار شکنجه بوده است و بدانید که فریاد کمک خواهی مرحوم حاج سعید در زندان و بیمارستان به خاطر چه بوده است یا این که تساهل و تسامح فقط برای ضدانقلابیون و اراذل و اوباش و فاحشه های غانله تهران جایز است و یا برای کسانی که دغدغه دین داشتند. مسئولی که در مقاله تلفنی به سیمین بهبهانی اظهار ارادت می‌نماید و پادوی انجمن حجتیه خائن است صلاحیت مسئولیت در نظام مقدس جمهوری اسلامی را ندارد و باید با اشد مجازات رفتار کرد و بدانید که دوستان ما وظیفه حفظ و صیانت از انقلاب اسلامی را برعهده دارند نه پروانه نهضت غیرقانونی آزادی را. و باید هرچه زودتر در يك دادگاه علنی و به دور از جناح بازی به این پرونده رسیدگی و کلیه

مأموریت‌های رسمی و غیر رسمی معاونت امنیت در زمان تصدی ایشان بررسی گردد و نه به خاطر منافع جناحی متهم تراشی نمایند و این قدر فشار روحی بیاورند که ایشان به یکی از نزدیکان نقل نماید: اینان تصمیم به اعدام من گرفته‌اند. اما من نمی‌گذارم اینان مرا اعدام کنند و این چنین دست به عملیات استشهادی می‌زند.

در غیر این صورت ما با منافق صفتان طبق نص صریح قرآن کردیم عمل کرده و حکم خداوند را برای نوکران سرسپرده آمریکا (مفسدین فی الارض) اجرا نموده و اسناد و مدارک موجود مربوط به شکنجه مرحوم حاج سعید اسلامی و اعدام شاپور بختیار و قاسملو و عزالدین و همچنین بمب‌گذاری در حرم امام رضا (ع) را بر روی شبکه اینترنت به جهت تنویر افکار عمومی پخش خواهیم نمود و متضرر اصلی شخص جناب‌عالی به دلیل سوء مدیریت تان بر حوزه‌های تحت نظارت تان خواهید بود.

به هوش باشید تمام کسانی که در پرونده بانده مهدی هاشمی دخیل بودند اکنون هر یک به نوعی مورد خشم و کینه مدافعان منتظری قرار گرفته‌اند و ما بهای سنگین برای این فریادها و اعتراض‌ها به سنگینی خون دل خوردن‌ها و تهمت و تکفیر زخم زبان شنیدن و یهودی شدن‌ها و توطئه گر بودن‌ها پرداخته‌ایم و تا آخرین قطره خون از کلیت اسلام ناب محمدی (ص) دفاع می‌نماییم و به دلیل کوتاهی مسئولین امر به زودی نمونه دیگری از اجرای حکم خداوند به دست فرزندان اسلام ناب محمدی را خواهید دید.

والسلام علی من اتبع الهدی

روابط عمومی و امور بین الملل سازمان فدائیان ناب محمدی (ص)

** سازمان اقتصاد اسلامی

این سازمان که باهدف دولتی کردن واردات در زمان ریاست جمهوری ابوالحسن

بنی صدر تشکیل گردید، با سرمایه صندوق قرض الحسنه سراسر کشور و نیز با فروش تعداد زیادی سهام ده هزار تومانی شکل گرفت.

بعد از حذف بنی صدر برای مدت کوتاهی این سازمان در اختیار نیروهای مستقل قرار داشت و بعد از آن کلاً به دست جناح راست و به سرکردگی عسگر اولادی افتاد.

در زمان نخست وزیر مهندس موسوی این سازمان با استفاده از شرایط ویژه جنگ ارز دولتی فراوان در اختیار داشت و تقریباً تمامی مواد غذایی مورد نیاز مملکت با ارز دولتی توسط این سازمان وارد می شد و بخشی از آن با نرخ ترجیحی (کوپنی) در اختیار مصرف کننده قرار می گرفت و قسمت اعظم آن روانه بازار آزاد می شد و از هرگونه اخلاقی در اقتصاد جنگ زده مملکت دریغ نمی کردند.

عسگر اولادی مدیر عامل سازمان اقتصاد اسلامی است و این سازمان با سرمایه هنگفتی که از محل وجود تودیع شده مردم در صندوق های قرض الحسنه سراسر کشور به دست آورده به بانک خصوصی عسگر اولادی تبدیل شده و همواره کلان ترین مبادلات تجاری را با استفاده از اطلاعات دست اول خاموشی در اتاق بازرگانی و نیز وزرای دست راستی کابینه دارند و همیشه به فاصله ۲۴ ساعت از تصویب مجوز ورود کالا، کشتی های سازمان اقتصاد اسلامی که حامل همان کالا می باشند در بندر جنوبی ایران پهلو می گیرند و بیشترین سود را نصیب عسگر اولادی و شرکای تجاریش می کنند. دامنه فعالیت این سازمان به گستردگی نیاز جامعه ایران به خارج از کشور است. از مواد غذایی، مواد اولیه صنعتی، مصنوعات ساخته شده و پلاستیک، آهن آلات، کود شیمیایی و سموم کشاورزی و ... اعضای هیئت مدیره سازمان عبارتند از: حبیب الله عسگر اولادی مسلمان، علینقی خاموشی، حجت الاسلام نیری، شفیق، زمردیان.

***بخش اقتصادی وزارت اطلاعات

این بخش که عمدتاً به صورت يك شرکت سهامی (یا صندوق سرمایه گذاری) است از بدو تأسیس همواره توسط چند تن از قوی‌ترین معاونین وزیر اداره می‌شد. عمده سهامداران شرکت عبارتند: از وزارت اطلاعات، با کمتر از ۲۰ درصد سهام، معاونین وزیر، مدیران کل، پرسنل وزارت با ۸۰ درصد سهام.

این بخش در زیر مجموعه خود شرکت‌های زیادی را در سراسر استان‌های ایران و خارج از کشور داشت که تحت پوشش و عناوین مختلف به کار اقتصادی مشغول بودند و به دستور خاتمی در دوره وزارت دری نجف آبادی و بعد یونسی به نهادهای دولتی انتقال شدند.

دفتر مرکزی این بخش اقتصادی وزارت اطلاعات، در تهران با نام مستعار «تکوا» (تعاونی کارکنان وزارت) فعالیت می‌کند و هدف از آن انجام عملیات اقتصادی و سودآور است که از محل سود حاصله به پرسنل وزارت کمک مالی می‌شود.

هاشمی رفسنجانی در مصاحبه خود با همشهری، قبل از انتخابات دوره اخیر مجلس، ادعا کرد که اجازه تأسیس شرکت‌های تجاری به وزارت اطلاعات جهت ایجاد پوشش و تولید درآمدی برای وزارت اطلاعات بوده است.

فردی به نام کمالی عضو ثابت و لاابتنغیر این مجموعه اقتصادی بوده و همواره دو نفر دیگر از معاونین موظف وزارت اعضای هیئت مدیره بودند. از جمله اکبری‌ان، پورمحمدی، سعید امامی و مصطفی کاظمی.

این شرکت با استفاده از قدرت و نفوذ وزارت اطلاعات در تمام دستگاه‌های اجرائی، حجم عظیمی از مبادلات اقتصادی آن هم از نوع بازار سیاه آن را در اختیار خود داشت.

۲ - واردات انواع خودرو

۳ - واردات انواع کالاهای ساخته شده خارجی به صورت قاچاق

۴ - اقدام به خرید محصولات کارخانجات داخلی به صورت خارج از نوبت با قیمت تمام شده دولتی و فروش آنه در بازار سیاه از قبیل: خود رو - آهن آلات، لوازم خانگی و ...

۵ - خرید و فروش تلفن همراه (در يك نوبت ۱۱۰۰ دستگاه تلفن که در انحصار وزارت پست و تلگراف بود به صورت انحصاری خریداری و با يك ميليون تومان سود در هر دستگاه بیش از يك ميليارد تومان سود نصیب شرکت خصوصی اطلاعات گردید. اکبر خوشکوشک واسطه این معامله بود.

۶ - اقدام به انجام امور ساختمانی واحداث مجموعه های تجاری و پاساژ با استفاده از نفوذ وزارت اطلاعات در شهرداری تهران و استفاده از میلیاردها تومان تخفیف.

۷ - اقدام به ورود کالاهای ممنوعه از خارج (سیگار، Receiver ماهواره، ویدئو و ...) تحت عنوان محموله های نظامی و ... که در يك نوبت در اواخر سال ۷۵ يك محموله بزرگ حاوی سه هزار دستگاه ویدئو رسیور ماهواره به نام یکی از واحدهای نظامی وارد گمرک شد که با اصرار مأمورین گمرک بندرعباس مورد بازرسی قرار گرفت و بعد از کشف مأموران وزارت اطلاعات برای جلوگیری از آبروریزی محموله را رها کردند و این محموله بی صاحب چند روزی تیترو روزنامه را به خود اختصاص داد. (البته بعداً این محموله به نفع بنیاد شهید مصادره شد)

۸ - اقدام به ورد کالاهای غیرمجاز به صورت تحویل در انبار، این روش که اصلاً چتربازی نام دارد کالا را در گمرک تحویل می گیرد و بعداً در انبار صاحب کالا (در هر نقطه از ایران) به همان صورت و بدون طی تشریفات ورود و ترخیص و پرداخت حقوق گمرکی و ... تحویل می دهد و معادل چهل در صد ارزش کالای مورد

نظر را حق الزحمه دریافت می نماید.

۹ - ایجاد پاپوش برای مصادره اموال مردم به نفع وزارت اطلاعات.

دريك نوبت در سال ۷۵ هفتصد دستگاه خودرو سواری هوندا متعلق به دو بازرگان به نام های مرشدیان و جهان بین را به بهانه این که مرشدیان اقدام به فروش کوکائین کرده توسط دادگاه انقلاب مصادره کردند و خودروهای مذکور را به ثمن بخش به شرکت تکوا واگذار گردید و از این معامله قریب دومیلیارد تومان سود نصیب همکاران زحمتکش آقای فلاحیان شد.

۱۰ - اقدام به خروج غیرمجاز ارز از کشور به صورت دلالی با گرفتن درصدی از ارز مورد انتقال به عنوان حق الزحمه.

توضیح این که در مواردی که امکان انجام يك مبادله یا معامله با سود کلان فراهم می شد، این دست از معاملات با سرمایه شخصی فلاحیان، کمالی و سایر دوستان و بستگان ایشان صورت می گرفت و دوتن از برادران فلاحیان در بخش اقتصادی به صورت تمام وقت مشغول تجارت بودند و ظاهراً هم فقط یکی از آنها کارمند وزارت بود و دومی شغل آزاد داشت.

أَخَانِ بْنِ خَنَازِرٍ

آغاز جنایت‌ها در شیراز - قتل خسروخان

در تابستان ۱۳۷۸ مهندس رجبعلی طاهری در گفتگویی با يك روزنامه محلی شیراز برای نخستین بار فاش کرد که در زمان نمایندگی اش در اولین دوره مجلس شورای اسلامی از شیراز، با کمک بعضی از روحانیون موفق شد از آیت‌الله خمینی برای خسروخان قشقائی امان نامه بگیرد. امان نامه را رئیس جمهوری وقت یعنی رجائی امضاء کرد و خود طاهری آن را به استانداری شیراز ابلاغ کرد. به گفته طاهری، خسروخان قشقائی با اطلاع از این امان نامه، قبول کرد به شیراز بیاید و مذاکره کند. اما از لحظه ورود و مکان اقامت او در شیراز کسی خبر نداشت. با خبرچینی یکی از عناصر مزدور مأموران سپاه به حمای ریختند که خسرو قشقائی در آن استحمام می‌کرد. علیرغم امان نامه رسمی و قول خمینی، و تلاش‌های طاهری و ربانی شیرازی، خسروخان به امر مصطفی کاظمی (موسوی نژاد) که رئیس اطلاعات سپاه شیراز بود اعدام شد. مهندس رجبعلی طاهری که خود از بنیان گزاران سپاه پاسداران است در نوره پنجم ریاست جمهوری به همراه جاسبی و توکلی در کنار رفسنجانی نامزد ریاست جمهوری شده بود. پس از چاپ مصاحبه او به اشاره عوامل فلاحیان و کاظمی در اطلاعات او را دستگیر کردند و به جرم توهین به سربازان گمنام امام زمان، بیش از چهار ماه در بازداشتگاه مخوف اطلاعات در شیراز از او پذیرائی کردند. طاهری بعد از زندان کمتر سخن گفت، و تنها در نامه ای مشروح به خاتمی، حکایت آن چهار ماه را بازگو کرد.

سید، سلطان شیراز، کانون توطئه

همانگونه که در فصل پیش ذکر شد مصطفی کاظمی با داشتن يك پيش زمينه فکری در دوران نوجوانی، از تفکرات تشیع سرخ دکتر علی شریعتی، در جریان انقلاب، از اندیشه‌ی شریعتی دور شد و همین امر زمینه‌های نزدیکی او را در سال‌های بعد با سعید امامی که در تقابل با اندیشه‌ی شریعتی (اسلام بدون روحانیت) همه‌ی توان خود را برای جا انداختن (اسلام یعنی روحانیت) بسیج کرده بود فراهم ساخت. نتیجه‌ی همکاری این دورا می‌توان حدس زد که نخستین آن قتل مظفر بقائی در زندان بود، سعید امامی بعد از رسوائی بلژیک (ارسال موشک برای زدن پایگاه مخالفان) از معاونت امنیتی به معاونت بررسی‌ها رفت و کاظمی جای او را گرفت. کاظمی و امامی در عین حال در جمع مشاوران علی فلاحیان بودند، و نامه‌ای که سلام چاپ کرد و باعث تعطیلی آن شد از سوی امامی با عنوان حوزه مشاوران وزیر برای فلاحیان فرستاده شده بود.

نامه‌ای که عیناً در طرح اصلاح قانون مطبوعات در مجلس پنجم به مفاد آن عمل شد. کاظمی در آغاز کارش در شیراز با حائری امام جمعه این شهر درگیر شد. در رابطه با اختلاف شدید مصطفی کاظمی و حائری امام جمعه شیراز و نماینده ولی فقیه گفتنی است که هزینه‌های دفتر حائری در شیراز توسط خانواده ایمانی‌های شیراز که از ثروتمندان شهر هستند تأمین می‌شد. و در مقابل اغلب قراردادها و مناقصه‌های دولتی نصیب این خانواده می‌شد. در سال ۱۳۷۰ یکی از خویشاوندان سعید امامی از خارج به ایران آمد. سعید امامی او را به شیراز فرستاد و از کاظمی خواست تعدادی از پروژه‌ها و قراردادها را به او بدهد. کاظمی این کار را کرد و به همین دلیل با حائری که حامی ایمانی‌ها بود درگیر شد. دشمنی بین این دو چنان بالا گرفت که حائری رسماً کاظمی را التقاطی می‌خواند و لقب منافق به او داده بود. سه بار نیز شخصاً از خامنه‌ای درخواست برکناری کاظمی و تعیین سرتیپ پاسدار ابوالفتحی به جای او شد. زور کاظمی بیشتر بود و به همین دلیل توانست ابوالفتحی را به تهران تبعید کند. ابوالفتحی دو سال بعد به عنوان فرمانده نیروهای انتظامی فارس به شیراز برگشت اما در فاصله کوتاهی هنگام تعقیب قاچاقچیان، هلیکوپترش به تیرغیب دوستان کاظمی گرفتار شد و سقوط کرد و ابوالفتحی دردم کشته شد. از دیگر کسانی که با کاظمی درگیر شدند باید به سردار اسدی از بزرگان سپاه شیراز اشاره کرد که در دهستان «آب پخش» از توابع

برازجان به ضرب گلوله ناشناسی کشته شد. (بعد از دستگیری کاظمی) و این اسدی از کسانی بود که بعد از جریان ۱۸ تیر همراه با فرماندهان سپاه نامه عتاب آلود معروف را به خاتمی نوشت.

در جریان انتخابات مجلس خبرگان، علی فلاحیان از خوزستان نامزد شد ولی به دعوت اطلاعات شیراز و البته به اشاره سعیدامامی و مصطفی کاظمی به جای سخنرانی و دیدار از شهرهای خوزستان، سر از شیراز و شهرهای فارس درآورد. البته با این بهانه که هدف آقا کسب آرای جنگ زدگان خوزستانی است که هنوز در شیراز و چند شهر دیگر فارس اقامت دارند. او سه روز میهمان اطلاعات فارس بود و موبک او با چنان جلال و شکوهی بدرقه می شد که همگان دریابند مرد اول اطلاعات ایران هنوز فلاحیان است و قربانعلی دری نجف آبادی به قول منتظری ماشین امضائی بیش نیست.

زمانی که مصطفی کاظمی (موسوی نژاد) ارتقاء مقام گرفت و به تهران رفت، محمد کرمی را رئیس دادگستری شیراز کرد. کرمی مدتی رئیس دادگاه انقلاب شیراز بود. و قبل از او ریاست دادگاه را یک چند حجت الاسلام موحد بر عهده داشت که با کمک کاظمی در دوره پنجم وکیل شد و به تهران رفت و جای خود را به محمد کرمی داد.

بعد از کرمی، امیری به ریاست دادگستری شیراز رسید که در جریان محاکمه هموطنان یهودی، مرتب به عنوان

سخنگوی دادگستری فارس با خبرنگاران مصاحبه می‌کرد. امیری قبلاً در کردستان بود. او از جریان‌های فارس چیزی نمی‌دانست. کار در فارس در واقع در دست جمشیدنورائی است که با تغییر اسم خود به حاج صادق نورانی دادیار شعبه سوم دادگاه شیراز است و محاکمه یهودیان را او عهده دار بود.

ادعاهای حسینیان:

روح الله حسینیان یارگار کاظمی و سعید امامی، بارها گفته است مصطفی کاظمی (موسوی نژاد) نفر دوم پرونده قتل‌های زنجیره‌ای (مطابق رده بندی سازمان قضائی نیروهای مسلح، وگرنه کاظمی نفر ششم پرونده بعد از میرحجازی، فلاحیان، محسنی اژه‌ای، علی رازینی و سعید امامی است) عامل اصلی قتل‌هاست و چون طرفدار جناح چپ و خاتمی بوده بنا براین قتل‌ها زیر سر طرفداران خاتمی است. واقعیت امر اما چیز دیگری است.

۱ - مصطفی کاظمی سال‌ها مدیر کل اطلاعات شیراز بود و در واقع حکومت شیراز مثل دوران خاقان مغفور در دست او بود. در سال ۱۳۷۱ در جریان شورش جانبازان، اختلاف‌ها بین او و حائری امام جمعه شیراز شدت گرفت که باعث احضار حائری به تهران شد و حائری از این به بعد کینه کاظمی را به دل گرفت. کاظمی با در اختیار داشتن دادگستری با گذاشتن یکی از عوامل خود به نام (موحد) که (وکیل دوره پنجم بود) در

رأس دادگستری و تعیین فردی به نام کرمی به معاونت او عملاً مالك جان و مال مردم شیراز بود. موحّد که به خواست کاظمی وکیل شد، کرمی جای او را گرفت و سیدمجید حسینی نژاد از سوی کاظمی به ریاست کل دادگاه انقلاب شیراز منصوب شد. مجید حسینی به اعتراف خودش، ماشین امضای کاظمی بود (زمانی که کاظمی در تهران دستگیر شد، کرمی و شمار دیگری از عوامل او به تهران احضار شدند و از آن‌ها بازجویی به عمل آمد. کاظمی در شیراز زندان ویژه‌ای داشت که جدا از عادل آباد بود. این زندان در خیابان سپاه شیراز بالاتر از فلکه ارتش و دیوار به دیوار دادرسی نظامی فارس است. و بر سر در آن نوشته شده: «تعمیرگاه شهید سلیمی» در طبقه اول این زندان ۴۰ سلول است با دو اتاق شکنجه که اسم آن را گذاشته‌اند «اتاق شفا». این زندان اواخر دوران شاه توسط ساواک درست شده و بعدها در دوران رژیم اسلامی توسعه یافت.

۲ - در جریان انتخابات ریاست جمهوری با آن که کاظمی مدیر کل وزارت اطلاعات و در تهران بود، اما با کمک دوستانش در خیابان زند مقابل ساختمان اطلاعات فارس، تشکیلاتی را برپا کرده بود به نام دفتر دفاع از ارزش‌ها که ستاد انتخاباتی ریشهری بود و همه اطلاعاتی‌های شیراز به این دفتر رفت و آمد داشتند. حائری امام جمعه از ناطق نوری حمایت می‌کرد و او را برای سخنرانی به شیراز کشاند. در مقابل کاظمی

رسماً حامی ریشهری بود و با آوردن کسانی مثل روح‌الله حسینیان (خسروخویان) و ابوترابی (که اخیراً در تصادف اتومبیل کشته شد) علیه ناطق نوری و حائری موج ایجاد می‌کرد. بنا براین او طرفدار خاتمی و چپ‌ها نبود بلکه از ریشهری و گروه موسوم به چپول‌ها در جمعیت دفاع از ارزشها حمایت می‌کرد.

۲ - شیراز در ۱۵ سال گذشته پایگاه اصلی توطئه علیه آزادیخواهان بوده و بعد از سال ۷۶ نیز کانون طراحی عملیات ضد خاتمی و اصلاح طلبان در اطلاعات شیراز قرار داشته است. گروگانگیری توریست‌های خارجی پیش از سفر خاتمی به ایتالیا و فرانسه و بازداشت ۱۲ تن از یهودیان، از جمله رویدادهائی است که در کانون توطئه شیراز طراحی و به اجرا درآمده است.

کازمی و اقلیت‌ها :

مافیای کازمی (موسوی نژاد) که حلقه اصلی مافیای بزرگتر فلاحیان - سعیدامامی بود، سال‌ها پیش از دستگیری یهودیان، مبارزه با اقلیت‌های مذهبی را به شکل تدارک دیده‌شده‌ای آغاز کردند. درست در زمانی که گلیندوپول برای تهیه گزارشش در رابطه با وضع حقوق بشر در ایران مشغول تحقیق و گفتگو بود، چندبهای سرشناس شیراز دستگیر شدند

و عده‌ای ناشناس به خانه يك بهائی درآباده ریختند و او و همسر و فرزندش را به شکل فجیعی به قتل رساندند. در ازنا نیز اعضای يك خانواده پنج نفره بهائی به طرز فجیعی به قتل رسیدند. همه‌ی این قتل‌ها و دستگیری‌ها با نظارت کاظمی و دستور مستقیم فلاحیان و سعید امامی صورت گرفت.

اکبر خوشکوشک، - فرنگی کارمافیای فلاحیان - امامی نیز با محفل اطلاعاتی شیراز در تماس بود. در زمان فلاحیان وزارت اطلاعات صدها شرکت در داخل و خارج کشور جهت انجام معاملات تجاری (و به قول آقای رفسنجانی برای خودکفا شدن) ایجاد کرد. از جمله شرکت‌هایی در جنوب کشور که دو سه تایی از آن‌ها به نام «فتح» و «جهاد» در بوشهر دفتر داشتند. گاهی موتورهای لنج اجناس مربوط به این شرکت‌ها را بدون پرداخت سود گمرکی خالی می‌کردند - محموله‌ها اغلب در بندر عسلویه و کنگان تخلیه می‌شد. یکی از محموله‌ها که محمد کرمی صاحب آن بود، تلفن‌های موبایلی است که خوشکوشک در تهران به فروش رساند و به علت بدحسابی، حتا کارش به محاکمه کشید و بهمن طوسی شریکش به زندان افتاد.

کشتن اهل تسنن نیز از جمله کارهای مافیای کاظمی در شیراز و فارس بود اعدام وحشیانه دکتر مظفری که گرایش به اهل سنت داشت و به اتهام واهی جاسوسی برای عربستان سعودی در پی سفر وی به عربستان، و سپس قتل تکان دهنده عالم پاکدامن اهل سنت شیخ محمد ضیائی از جمله جنایاتی بود که توسط

کاظمی و عواملش به تأیید امامی و فلاحیان انجام گرفت.

پس از دستگیری سعیدامامی و مصطفی کاظمی و اعترافات آنها، بیش از ۲۰ تن در رابطه با قتل ضیائی دستگیر شدند. با دستگیری این‌ها تردیدی نبود که پای محمد کرمی که در زمان کاظمی رئیس دادگاه انقلاب شیراز بود نیز به میان می‌آمد. از این رو محسن اژه‌ای* و علی رازینی که با امامی و کاظمی در ارتباط بودند کرمی را به تهران منتقل کردند و او معاون قضائی دادگستری تهران شد. حکم توقیف بیش از ۲۰ روزنامه و مجله اصلاح طلب را کرمی صادر کرد و آخرین شاهکار او صدور حکم بازداشت شیرین عبادی و دکتر محسن رهامی بود.

پانویس:

درباره‌ی محسنی اژه‌ای :

قاضی محسنی اژه‌ای، محاکمه‌کننده کرباسچی و رئیس دادگاه ویژه روحانیت که در زمان رسیدگی به پرونده او همزمان جانشین رئیس مجتمع قضائی ویژه و قائم مقام دادگاه ویژه روحانیت، رئیس شعبه ۲ دادگاه تجدید نظر و جانشین رئیس شعبه ۲۶ دادگاه عمومی تهران بود، از جمله شخصیت‌های محوری در پرونده قتل‌های زنجیره‌ای است. نامبرده پس از محاکمه جنجالی پرونده معروف ۱۲۴ میلیارد تومانی مرتضی رفیق دوست که منجر به اعدام فاضل خداداد گردید، شهرتی به دست آورد و الحق دین خود را به محسن رفیق دوست شریک تجارتي فاضل خداداد ادا کرد. محسنی دو دستگاه خود رو توپوتا با ۵۰ درصد تخفیف از قیمت تمام شده از بنیاد مستضعفان

دریافت کرده بود. هم چنین ملکی را در خیابان پاسداران به مبلغ سی میلیون تومان به صورت اقساط از بنیاد مذکور خریداری کرد و ۱۴۰ میلیون تومان به فروش رساند. او پس از انجام موفقیت آمیز پروژه محاکمه شهرداران که آبرویی برای قوه قضائیه باقی نگذاشت به عنوان سپاس از سوی رهبر جمهوری اسلامی به سمت ریاست دادگاه ویژه روحانیت منصوب شد.

محسنی از روستای ازه اصفهان و از طلبه های مدرسه حقانی است که در اوائل انقلاب به دلیل کم سوادی و بعد از گذراندن درس خارج مدرسه حقانی را رها و به کار در دادرسی های انقلاب پرداخت. چهار سال بعد مجلس ماده واحده ای را تصویب کرد که به موجب یکی از تبصره های ذیل آن، کسانی که دارای دیپلم متوسطه باشند و با چهار سال سابقه کار در دادرسی می توانند به سمت قضائی ارتقاء پیدا کنند. اما محسنی و تعداد دیگری از طلاب چون دیپلم نداشتند از این امتیاز محروم شدند. آن ها جهت جبران این نقیضه درخواست شرکت در امتحانات متفرقه برای گرفتن دیپلم کردند. مجموعاً بیست و دوفتر از کارکنان دادرسی اوین و انقلاب متقاضی این امر بودند که به دلیل حساسیت موضوع، امتحان در محل زندان اوین توسط آموزش و پرورش برگزار شد. اما بعد از برگزاری امتحان و هنگام تصحیح اوراق مسئولین آموزش و پرورش متوجه شدند که همه اوراق فقط با خط دوفتر نوشته شده است پس از انجام تحقیقات توسط بازرسان وزارت آموزش و پرورش معلوم شد که اساساً امتحانی در کار نبوده و دوفتر از زندانیان تمام اوراق را نوشته اند که پس از کشف موضوع با استفاده از زور دادگاه انقلاب و اوین مسئله مسکوت ماند و آقایان به دریافت دیپلم متوسطه نائل شدند و متعاقباً به کادر قضایی وارد شدند. همه این افراد در حال حاضر قاضی هستند و در شعب مختلف دادگاه های عمومی و انقلاب مشغول به کارند.



مصطفی کاظمی (موسوی نژاد)

متهم ردیف ۲ در قتل‌های زنجیره‌ای، شریک و یاور علی فلاحیان و سعید امامی،
آخرین مقام او معاون وزیر اطلاعات در امر امنیتی بود.

فرنگی کار

و

ثروت های بادآورده

فرنگی کار

آمر و عامل در بیرون مرزها

دوسه هفته پس از آن که من در گزارشی در نشریه الوطن (چاپ کویت و لندن) و روزگار نو (چاپ پاریس) در رابطه با دستگیری گروه دوم از متهمان پرونده قتل‌های زنجیره‌ای و شخصی به نام «اکبر خوشکوش» موسوم به - خوشکوش - مطالبی را که از یک منبع بسیار آگاه به دستم رسیده بود به چاپ رساندم، در داخل کشور نیز این‌جا و آن‌جا اسم خوشکوش مطرح شد. از جمله روزنامه نگار و محقق شجاع اکبر گنجی با اشاره به مسئولیت‌های خوش کوشك در قتل مخالفان رژیم در خارج کشور، از او با عنوان «فرنگی کار» یاد کرد. خوش کوشك چندی بعد با این توجیه که زیر شکنجه سخت قرار داشته، آزاد شد و در جلسه‌ای در مجلس شورای اسلامی بنا به تقاضای شماری از نمایندگان فراكسیون جبهه مشارکت ادعا کرد در قتل‌های زنجیره‌ای دست نداشته، و آنچه را در رابطه با ضدانقلاب در

خارج انجام داده، موردتأیید کامل مقام رهبری و مستولان وزارت اطلاعات و سپاه قرار داشته است. خوش کوشك در همین جلسه نسبت به نگارنده نیز اظهار لطف کرده بود و گفته بود، ما سال‌ها پیش گفته بودیم این ملعون (علی رضا نوری زاده) را باید به عقوبت رساند... آنچه که من درباره‌ی او نوشته بودم و باعث به غضب آمدن «فرنگی کار» اطلاعات سپاه شد از این قرار بود: «اکبر خوشکوش را پس از ده ماه زندانی بودن آزاد کردند. دلیلشان هم این بود که حاج اکبر فقط در قتل سران ضدانقلاب در خارج نقش داشته و این قتل‌ها با تأیید و دعای خیر مقامات بالا انجام گرفته است.»

اکبر خوشکوش مرد ۴۵ ساله‌ای است که از يك خانواده آذری با وضعی متوسط می‌آید. او به اتفاق دوبرادر جوانش در آغاز انقلاب به بسیج پیوست. برادرانش در جنگ با عراق کشته شدند و او نیز با زخم‌های بسیار جبهه را ترك گفت. مادر اکبر به علت ابتلاء به بیماری روانی بعد از مرگ دو پسرش به وضع ناهنجاری درگذشت. اکبر فردی متعصب، مؤمن به خمینی و صادق در کارش بود. اما بعد از مرگ خمینی به قول دوستانش اکبر متحول شد. در واقع آشنائی او با سعید امامی عامل اصلی تغییر روحیه او بود. از آن پس خاطره‌ای که از اکبر در دست است اتومبیل‌های آخرین مدل، معشوقه‌های رنگارنگ، سفرهای خارج، تلفن موبایل و برجی است که در شمال تهران ساخته است. او به اتفاق رفیق

اطلاعاتی اش همایون طوسی، ساختمان با شکوهی در خیابان پاسداران (سلطنت آباد سابق) ساخت که در یک طبقه آن خودش و در طبقه دیگر سعید امامی اقامت داشت.

اعظم خوش کوش همسر اکبر که چهار فرزند پسر برای او آورده که بزرگترین آن‌ها ۱۸ ساله است از زنان بسیار متعصب و حزب‌اللهی است. اما اکبر در دوسه جای تهران معشوقه‌هایی داشت (از جمله سحر که معشوقه مشترک او و سعید امامی و دوتن دیگر از رفقا بود و بعد نصیب سعید شد) او در خانه خانم ... که دختر جوان بسیار زیبایی داشت ظهرها تریاک می‌کشید. بعد از دستگیری سعید امامی او این دختر و مادرش را به خارج فرستاد.

درباره روحیه او باید گفت وقتی نوه خاله اش دکتر بهروز نویری را در پی سفری به ایران از آمریکا به جرم عضویت در یک گروه براندازی گرفتند، او نه فقط به اشک و لابه‌های همسر بهروز و خاله و بستگانش وقتی نگذاشت بلکه شخصا در مراسم اعدام بهروز حاضر شد. او یک بار در جریان ورود تلفن‌های موبایل و کلاهبرداری دستگیر شد اما در دادگاه او و همایون طوسی با توصیه مستقیم رفسنجانی با دادن جریمه‌ای آزاد شدند. (طوسی قبل از دادگاه مدت کوتاهی در زندان بود) در قدرت اکبر خوشکوش همین بس که در تاریخ ۱۶ اردیبهشت ۱۳۷۸ دوماه قبل از دستگیرش در رابطه با قتل‌ها، با شکایت جمعی از بازرگانان و یک شرکت ساختمانی

از او و همایون طوسی به جرم صدها میلیون تومان کلاهبرداری، وقتی او و طوسی را بازداشت کردند او در پاسگاه نیروهای انتظامی به بزرگ و کوچک رژیم ناسزا گفت و بعد هم در دادگاه با ارائه کارت مخصوص وزارت اطلاعاتش آزاد شد. یعنی همان کارت برای کفالت او و طوسی کافی بود.

خوشکوش به محض آزاد شدن به جان شاکیانش افتاد، و چنان روزگار آن‌ها را سیاه کرد که خدا می‌داند امروز آن‌ها در چه وضعی هستند. یکی از آن‌ها هم اکنون در تهران پنهان شده و دیگری که جان‌ش در خطر بوده و هستی‌اش را خوشکوش و همایون طوسی به باد داده‌اند از ایران گریخته است.*

* پانویس

ابعاد فساد و سوء استفاده مالی در وزارت اطلاعات در دوران علی فلاحیان، از حدود متعارف به شکلی عجیب فراتر رفت. خود فلاحیان با داشتن میلیاردها تومان ثروت و حساب بانکی در ژنو و تورنتو (به نام پسر و عموزاده‌اش) و سهام تعداد زیادی از شرکت‌های وابسته به سازمان اقتصاد اسلامی، لقب قارون انقلاب را گرفته است. در این زمینه عین گزارشی را که یکی از بلندپایگان وزارت اطلاعات بعد از فاش شدن نقش فلاحیان و معاونانش در قتل روشنفکران و مخالفان رژیم، در اختیار... گذاشته است، نقل می‌کنم. این گزارش مطالبی خواندنی درباره‌ی شمار دیگری از بلندپایگان رژیم را دارد که در ادامه گزارش مربوط به فلاحیان می‌آید:

ثروت‌های بادآورده :

در سال ۱۳۷۶ وقتی بحث مربوط به ثروت‌های بادآورده و قانون از کجا آورده‌ای ورد زبان همه شده بود، آیت‌الله خامنه‌ای از رفسنجانی خواست گزارشی از اموال و دارائی‌های وزارا تهیه و ارائه کند. هاشمی رفسنجانی نیز اجرای این مهم را به دفتر بازرسی ویژه ریاست جمهوری و تعدادی از عناصر اطلاعات که با او نزدیکی داشتند سپرد. در فهرست ارائه شده به خامنه‌ای فلاحیان با داشتن بیش از دو میلیارد تومان اموال غیرمنقول ثبت شده (شامل خانه، آپارتمان، ویلا و زمین) در صدر قرار داشت. در رابطه با اموال منقول فلاحیان، اعم از سپرده‌های بانکی در داخل و خارج ایران و اشیاء عتیقه‌ای که توسط او غصب شده است اشاره ای نشده بود. هاشمی رفسنجانی در جلسه رسمی دولت ضمن پرخاش به فلاحیان به او گفته بود من شما را از زمانی که يك طلبه فقیر در قم بودی می‌شناختم، این‌ها را از کجا آورده‌ای؟ من نمی‌توانم جواب آقارا بدهم. فلاحیان پاسخ می‌دهد: مال خودم است، خریده‌ام. بنیاد تخفیف داده و کار تجاری کرده‌ام ... من که کمیسیون خرید اسلحه نگرفته‌ام. (اشاره فلاحیان به دریافت میلیاردها تومان کمیسیون خرید اسلحه توسط محسن و مهدی و یاسر هاشمی پسران هاشمی رفسنجانی بوده است) به هرحال هاشمی می‌گوید خودت باید جواب این‌ها را بدهی که از رانت وزارت اطلاعات این‌ها را به دست آورده‌ای.

از طرفی خامنه‌ای که از موضوع مطلع شده بود توسط محمدی گلپایگانی به فلاحیان پیغام می‌دهد که چرا با تشبث به دفاتر وزرا، مسئولین و شهردار تهران امتیازات کلان دریافت کرده است.

فلاحیان بعدها بعد از برکناری از وزارت، دو میلیارد ونیم به عنوان پولهای حلالی

که از راه تجارت به دست آورده بود، به بنیاد ۱۵ خرداد تقدیم کرد.

بخشی از این اموال برآورده شده فلاحیان عبارت است از ۲ خانه خریداری شده از بنیاد مستضعفان، چند قطعه زمین دولتی در خیابان‌های فرشته، جردن و ولنجک که از طرف زمین شهری با قیمت دولتی دریافت کرده، یک دستگاه ویلای مجلل صادر شده در شمال. یک دستگاه ویلای مجلل صادره شده در گلندوک، یک ساختمان ۶ طبقه درجاده قدیم شمیران. که همگی با استفاده از زور صدارت اطلاعات تصاحب شده بود و بخشی از وجوه نقد نامبرده نیز در بخش اقتصادی وزارت در دست با کفایت کمالی برای فلاحیان سودآوری بسیاری داشت.

آیت‌الله مهدوی کنی

۱ - یازده سال قبل در ابتدای کار کرباسچی در شهرداری تهران، شهرداری در یک اقدام ضربتی جهت توسعه طرح‌های شهری اقدام به تملک بیش از یک میلیون متر اراضی موات و کوهپایه‌ای روستای کن در مجاورت غربی تهران کرد. ولی با توجه به این که آقای مهدوی کنی خود را مالک بلامنازع اراضی مذکور می‌دانست به این عمل اعتراض کرد و مطالبه رقمی در حدود یک میلیارد تومان به عنوان ماهه ازایا آن را داشت که با بی توجهی شهرداری رو به رو شد. و شهرداری به استناد قوانین اراضی موات شهری زمین‌ها را در تملک خود نگهداشت و این سنگ بنای صدور حکم تکفیر کرباسچی توسط مهدوی کنی گردید.

۲ - جامعه الصادق، یک مؤسسه فرهنگی وابسته به جناح راست است که در پوشش بنیاد فرهنگی و برخورداری از معافیت مالیاتی به امور تجاری در سطح کلان می‌پردازد.

این مؤسسه که به ریاست آیت الله مهدوی کنی اداره می‌شود به طور کامل در اختیار جناح راست سنتی بوده و هیئت مؤتلفه اداره امور آن را عهده دار است. حدود هشت سال قبل جامعه الصادق احداث يك مركز تجاری ۱۲ طبقه در تقاطع خیابان ولیعصر و طالقانی را طرح کرد از آنجا که عوارض قانونی احداث بنای مذکور رقمی بالغ بر ده میلیارد تومان می‌گردید و مهدوی کنی قصد پرداخت آن را نداشت کار به منازعه کشید. و چند سال بین شهرداری و جناح راست بر سر این امر درگیری ادامه داشت. تا سرانجام با مداخله محسن رفیق دوست جامعه از هشت میلیارد تخفیف برای احداث پاساژ مذکور بهره‌مند شد و هم اکنون ساختمان مذکور با سرعت در حال اجراست.

توضیح اینکه مؤسسه جامعه الصادق دارای شعب اقتصادی کلان در بخش‌های صنعت و خدمات است و کارخانجات نساجی و تولید پوشاک نیز تحت عنوان (جامعه) ایجاد کرده و درآمد سرشار معافیت مالیاتی آن نصیب اغنیای هیئت مؤتلفه می‌گردد.

۳ - در زمان تصدی مهدی کروبی به بنیاد شهید، دکتر ولایتی وزیر خارجه وقت اقدام به خرید يك خانه مصادره‌ای متعلق به یکی از سران رژیم سابق در مجاورت کاخ سعدآباد کرد و از تخفیف بیش از ۵۰ درصد برخوردار گردید. ولایتی به جای بهای آن، خانه قدیمی خود در خیابان شریعتی را به سه برابر قیمت به بنیاد شهید واگذار کرد و باقیمانده پول خانه نیز به صورت قسطی به مدت سی سال برنامه ریزی شد. قیمت این خانه امروز يك میلیارد و ۸۰۰ میلیون تومان است.

۴ - آیت الله خامنه‌ای طی دستوری صریح به محسن رفیق دوست چند قطعه زمین و باغ در بهترین نقاط تهران را به پرسنل و قضات دادگاه انقلاب واگذار کرد. یکی از این قطعات باغ بزرگی به مساحت حدود ۲۰۰ هزار متر و معروف به باغ گیو واقع در اراج تهران است. پرسنل دادگاه مذکور در يك اقدام ضربتی تمام درختان باغ مذکور

را قطع و با گرفتن امتیازها و تخفیف‌های کلان از شهرداری اقدام به تفکیک و ساخت و ساز در آن نمودند.

توضیح این که کلیه قطعات این باغ به پرسنلی واگذار گردید که به نوعی در محاکمات فوری درون اوین در سال ۶۷ شرکت داشتند.

۵ - تبدیل اراضی باشگاه سابق شاهنشاهی به منازل مسکونی پرسنل حفاظت و اطلاعات نیروی انتظامی از دیگر موارد تصرف غیرقانونی اموال دولتی و وقفی است.

در دوره اول ریاست جمهوری رفسنجانی، قسمتی از اراضی باشگاه مذکور جهت احداث ستاد حفاظت و اطلاعات نیروی انتظامی اختصاص داده شده بود. اما سرتیپ محمدرضا نقدی، رئیس حفاظت و اطلاعات نیروهای انتظامی با استفاده از حصار غیرقابل نفوذ منطقه نظامی، اقدام به خانه سازی در اراضی مذکور کرد و آن‌ها را به پرسنل حفاظت و اطلاعات واگذار نمود. البته این ساختمان‌سازی با چشم پوشی شهرداری انجام گرفت.

۶ - موضوع برداشت مبلغ یک میلیارد و پانصد میلیون تومان توسط علی رازینی از سپرده‌های تودیع شده مردم در صندوق دادگستری از رازهای مهمی بود که توسط پرسنل بانک مرکزی افشاء گردید. این کار با پیشنهاد رازینی به یزدی انجام می‌گرفت و پولی که اساساً مالک آن دولت نیست (بلکه سپرده‌های مردم است که به دلیل اختلافات حقوقی ... و یا سهم الارث صغار محجورین و ... به صندوق امانات دادگستری سپرده می‌شود.) رازینی به یک حساب سپرده شخصی واریز می‌کرد که علاوه بر استفاده خود و نزدیکانش از ۲۴ درصد سود این سپرده به قضات وابسته به تیم یزدی و مدرسه حقانی پاداش و مابه‌التفاوت حقوق پرداخت می‌کرد.

در گزارشی که بانک مرکزی از عملیات این حساب ارائه داده بود آمده است:

گیرندگان عمده این کمک‌ها به غیر از اشخاص حقیقی عبارتند از : کمیته امداد - دفتر رهبری - سازمان حج و زیارت جهت اعزام قضاات به سفر حج، حفاظت اطلاعات سپاه، سازمان ارتباطات و فرهنگ اسلامی و ...

۷ - در زمان وزارت میرسلیم در وزارت ارشاد يك ميليارد تومان از پول شرکت فرهنگ و توسعه (سپرده‌های مردم بابت حج) به یکی از اعضای هیئت مؤتلفه وام داده شد تا در قم چاپخانه بسازند و قرآن چاپ کنند (وام بدون بهره) چاپخانه مذکور بعداً به یکی از نهادهای تحت کنترل جناح راست (سازمان تبلیغات اسلامی) به مبلغ دو میلیارد تومان فروخته شده ولی هنوز يك ميليارد اصل وام مسترد نگردیده است.

